

نگاه جنسیتی به باورهای عامیانه در زمینه نازایی، حفظ جنین و پیشگویی جنسیت فرزند (مطالعه موردی شهر گراش)

فاطمه نوروزی *

مریم جعفری ☆

(تاریخ دریافت ۹۰/۳/۲۴، تاریخ تأیید ۹۱/۹/۲۰)

چکیده

باروری و مسایل مربوط به آن در فرهنگ‌های مختلف به صورت‌های متفاوتی ارزیابی شده و معمولاً نسبت به مسایل دیگر به‌طور دقیق‌تری مورد توجه بوده است. گوناگونی و ازدیاد باورهای عامیانه مربوط به آن حاکی از این امر می‌باشد. در بررسی حاضر با نگاه به لزوم باروری برای زوجها در شهر گراش، فرهنگ عامه مربوط به آن با استفاده از روش مشاهده و مصاحبه با گروه‌های زنانه، درمانگرها، دعانویس‌ها و سالخوردگان در شاخه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است: ۱. باورهای مربوط به نازایی و راهکارهای حل مسئله ۲. راهکارهای مورد استفاده جهت حفظ جنین در شکم مادر ۳. گونه‌های متفاوت پیشگویی جنسیت فرزند و ارجحیت جنسی مربوط به آن. در هر قسمت نیز اقدامات و باورهای مربوط دسته‌بندی شده است.

واژه‌های کلیدی: باورهای عامیانه، نازایی، حفظ جنین، پیشگویی، جنسیت، شهر گراش.

مقدمه

برای بیشتر افراد فرزندان معنی زندگی هستند و بخش مهمی از هویت آن‌ها را تشکیل می‌دهند. (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۳). در کشورهای غیرصنعتی، نخستین عاملی که تولید

fatemeh_nowrouzi@yahoo.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

☆ کارشناس علوم اجتماعی

مجله انسان‌شناسی، سال دهم، شماره ۱۶، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۱-۱۷۸

فرزند را به دنبال می‌آورد ازدواج است. اگرچه ازدواج در همه جا الزاماً معنی یکسانی ندارد، ولی در تمام سیستم‌های ازدواج یک وجه مشترک وجود دارد، تولیدمثل (بیچا، ۱۹۹۶: ۷۰). برخی از فمینیست‌ها معتقدند استثمار و فرودستی زنان ناشی از آن است که بچه می‌زایند و همین واقعیت زیست‌شناختی است که به مردان امکان داد زنان را به انقیاد کشند اما به قول میریام دیوید (۱۹۸۵) «مادرشدن مفهومی اجتماعی است». مادرشدن نه تنها مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع است بلکه از لحاظ تاریخی نیز مفهومی خاص دارد به این معنی که هویت اصلی و مشغولیت عمده زن پنداشته شده است (آبوت: ۱۳۸۰: ۱۳۱). باروری و مسایل مربوط به آن در فرهنگ‌های مختلف دارای ارزش زیادی هم برای خود فرد هم برای گروه خویشاوندان است. حال اگر مسئله زایش که برای برخی قومیت‌ها بسیار مهم است به تأخیر افتد یا گره‌ای در آن ایجاد شود نگاه جامعه به کدام جنسیت درگیر در قضیه و چگونه خواهد بود؟ آیا جامعه‌ای با فولکلور گسترده در مورد این مسئله اجازه تأخیر در آن را می‌دهد؟

زایش و مسئله باروری زنان در طول تاریخ بشر را متحیر و امیدوار می‌نموده است. امیدوار به بقای نسل به تولید انسانی دیگر. بنابراین همراه با این تحیر و اهمیت در کنار باروری، حفظ آن و لزوم توجه و مراقبت از زنان برای زایشی دوباره اهمیت می‌یابد. اما همیشه وقایع طبق انتظار ما پیش نمی‌رود. مسئله نازایی تبدیل به مشکلی اجتماعی می‌شود که گاه چندین خانواده، قوم را درگیر می‌سازد. از نظر شدت تنش‌زا بودن نازایی در میان تجربه‌های زندگی در حد و اندازه مرگ فرزند یا همسر در نظر گرفته شده است (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۳). زنان در جامعه مورد مطالعه همواره مسئول و متهم شناخته می‌شوند و انگشت اتهام به سوی آن‌ها دراز است. بنابراین باید چاره‌ای بیندیشند. دو راه حل وجود دارد. ۱. مراجعه به پزشک. ۲. مراجعه به آداب و سنت‌ها و اعتقادات منطقه جهت بارور شدن. و از آنجا که جامعه کوچک است و برچسب نازایی - حتی به طور موقت - خوردن از سوی جامعه اتهام بزرگی است بنابراین بهترین راه ابتدا استفاده از راه حل دوم است. همان‌طور که مبرهن است، مجموعه‌ای از دانستنی‌ها شامل آداب و رسوم و خرافات و احساس و عواطف که حیات مادی و معنوی شخص را در بر می‌گیرد و انسان از بدو تولد تا هنگام مرگ با آن‌ها در رابطه است، فرهنگ مردم «فولکلور» نام دارد (مؤید محسنی، ۱۳۸۱: ۱). البته عقاید و افکار عامه بر دو قسم است؛ یکی افکار و عقایدی که به تجربه برای مردم عاقل و خوش‌نیت حاصل شده است و آنان نیز برای نشر این افکار و عقاید افسانه‌ها و امثال ساخته‌اند و دستوره‌های اخلاقی و اجتماعی خود را برای هدایت و تربیت خلق در ضمن این افسانه‌ها و امثال گنجانیده‌اند. دیگر نوع اعتقادات نامعقول و خرافاتی است که بدان‌دیشان و شکست‌خوردگان جوامع به عمد یا غیرعمد ساخته و در میان مردم رواج داده‌اند،

همچون امیال زشت، عقاید مربوط به جادو یا برخی ادعیه و اوراد عجیب و غریب (شعربافیان، ۱۳۸۳: ۳). اما مردم هر جامعه‌ای معمولاً به بد یا خوب بودن اعتقادات فکر نمی‌کنند. می‌توان گفت مردم به دنبال راه چاره‌ای برای اموراتشان هستند و گاهی تا توسل به هر چیز و هر پدیده‌ای پیش می‌روند.

اما آیا این اعتقادات صرفاً متعلق به عوام است؟ روح‌الامینی به این امر اشاره دارد که باورهای فولکلوری در تمامی گروه‌ها و خانواده‌های جامعه اعم از خواص و عوام رواج دارد (۱۳۷۷: ۸۲). البته این باورها و اعتقادات در بین همه یکسان نمی‌باشد بلکه در بین گروه‌های اجتماعی مختلف با درجات متفاوت رواج دارد. گاهی قشرهای تحصیل‌کرده‌ای را می‌بینید که با وجود علم و آگاهی از عدم تأثیر این اعتقادات در رفع حوائج به آن‌ها بنا به فرهنگ منطقه متوسل شده و برای رفع نیازشان همه کار می‌کنند. مردم شهرگراش بسیار مذهبی و پایبند به سنن و اعتقادات مربوط به آن می‌باشند، در کنار این اعتقادات مردم به رعایت موارد عرفی و فولکلوریک جامعه نیز بسیار مشهورند. این مردم در مواردی سرپیچی از این سنن را به هیچ وجه نمی‌پذیرند و از طرف جامعه و گروه مورد پذیرش با خاطی به شدت برخورد می‌شود. در این بررسی فرهنگ عامیانه در زمینه نازایی و جلوگیری از سقط جنین و پیشگویی جنسیت فرزند، به عنوان جزء مهمی از فرهنگ به دسته‌های خاصی طبقه‌بندی شده و در هر مورد آداب و نوع اعتقاد مربوط به آن مورد توصیف واقع شده است؛ باورهایی که شاید در گذشته واقعاً کاربرد داشته و هدف و علت آن مشخص بوده اما امروزه در بیشتر موارد بدون توجه به ریشه‌های قضیه به صرف سنت جامعه همچنان ادامه دارند. این مراسم و اعتقادات حکایت از اهمیت باروری در بین قوم مورد بررسی و دست و پا زدن همه قوم برای رفع معضلات مربوط به آن دارد. اما در باور مردم چه کسی یا کسانی مسئول حل این مشکل می‌باشند؟ و اهمیت این موضوع تا کجاست؟

اهداف تحقیق مورد بررسی

۱. نگاه به لزوم بارداری برای زنان در منطقه
۲. بررسی فرهنگ عامه در حوزه‌های نازایی و جلوگیری از سقط جنین و پیشگویی جنسیت آن در گراش

ادبیات تحقیق

پیشینه‌های مورد بررسی که می‌تواند راهنمای این پژوهش باشد در حوزه‌های مختلف قابل دسته‌بندی است. قسمتی از تحقیقات مربوط به فولکلورها و باورهای عامیانه به صورت کلی و

قسمتی مربوط به باورهای مربوط به زایش و نوزاد و در بخشی به ناباروری و ارزش فرزندان پرداخته که با توجه به تاریخ اثر ارایه شده است.

صادق هدایت (۱۳۱۲) اثر *نیرنگستان* خود را منتشر ساخت که مجموعه‌ای است از آداب و رسوم و اعتقادات عامه مردم ایران، از تشریفات مراسم تولد، عقد و عروسی، مسافرت، چله‌نشینی، ناخوشی، خواب، مرگ، تفال، پیشگویی، نفوس، مروا، مرغوا، سعد و نحس، جشن نوروز، هفت‌سین، چهارشنبه‌سوری، قاشق‌زنی و... را تشریح کرده است (آرین‌پور، ۱۳۸۰: ۶۱). محمود کتیرایی (۱۳۴۸ - ۱۳۵۰) در کتاب *از خشت تا خشت* مباحثی در ارتباط با زن نازا، کارهایی که برای آبستن شدن می‌کردند، پیدایی نوزاد، شایست ناشایست‌های دوران بارداری، و یارانه، قفل کردن کمر زن آبستن، پیش‌بینی جنس نوزاد و... را ارایه داده است و در هر کدام به ذکر عقاید عامه و باورداشت‌های خرافی مردم پرداخته است (نیکویه، ۱۳۸۰).

چراغعلی اعظمی سنگسری (۱۳۴۹) باورهای عامیانه مردم سنگسر را گردآوری کرده و در چند بخش آن را به چاپ رسانده که هر بخش شامل چند قسمت و چند دسته از باورهای عامیانه بوده که به صورت موردی و مشاهده‌ای آن را جمع‌آوری کرده شامل آسمان و دیدنی‌های آن، برف و باران، عروسی، بچه‌ها، کسالت، تشیع جنازه، حیوانات، مرغ و خروس و گنجشک و کبک، حشرات، گیاهان و درخت‌ها و... می‌باشد (اعظمی سنگسری، ۱۳۴۹).

مهدی آینه‌افروز (بهار و پاییز ۱۳۷۱) در نشریه محلی گراش به نام *نشریه همساده*، در قسمت نقل *خمو* به باورهایی مانند «مه‌ره شو»، «دئزی»، «درد ددو و مرد سه زنه بفرش» و «کمو شفا» اشاره کرده است. و همچنین ف. محمودی (تابستان ۱۳۷۴) در همین نشریه در قسمت نقل *خمو* به باور درمان بیماری «تب سبک» اشاره کرده است.

مهری مؤید محسنی اثر حجیم خود درباره فرهنگ مردم سیرجان را به چاپ رساند که کاری است تقریباً کامل درباره فرهنگ و آداب و رسوم و سنن مردم سیرجان که به صورت میدانی و مشاهده‌ای انجام گرفته در هفتمین قسمت این اثر درباره مراسم زایمان در سیرجان به تفصیل سخن گفته مثلاً درباره بایدها و نبایدهایی که زن باردار موظف به انجام آن است و در مورد مراسم خاص زایمان نیز مطالبی ارایه شده است (۱: ۱۳۸۱).

فاطمه نوروزی و لیلا منوچهری در پایانامه‌ای با عنوان «باورهای عامیانه در گراش» به برخی باورهای مردم این شهر در ارتباط با مسایل مختلف پرداخته و دسته‌بندی‌هایی را ارایه نموده‌اند. (۱۳۸۷)

آمنه حسن‌زاده در پژوهش خود به «لول اندازون» در شیراز اشاره می‌نماید و در یک مورد بیان می‌نماید که در این مراسم شیرینی‌هایی که در پذیرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد به نیت

بچه‌دار شدن زنان نازا به آن‌ها داده می‌شود تا به حاجت خود برسند. البته این بررسی مراسم دیگر مرتبط با آن و نیز مراسم بعد از زایمان را نیز توصیف می‌نماید (۱۳۸۷).

لیلا جویباری در مقاله‌ای در ارتباط با «شناسایی باورها و رفتارهای بهداشتی مردم ترکمن مقیم روستای ایمر محمدقلی گنبدکاووس در زمینه مسایل مربوط به مادر و نوزاد» به برخی باورها در ارتباط با مادر و نوزاد اشاره می‌نماید (۱۳۸۷).

عبدالله ناصری در مقاله خود با عنوان «مراسم تولد و نام‌گذاری در بلوچستان» به ازدواج زود هنگام دختران اشاره نموده و به مراقبت‌هایی که از زن باردار می‌شود و تهیه چیزهایی که هوس می‌کند، زیرا معتقدند اگر تهیه نکنند چشم بچه‌ای که در شکم دارد لوچ می‌شود یا گنگ می‌شود یا مادر به مرضی مبتلا می‌شود که برای جنین خطر دارد و به مراسمی دیگر که بعد از تولد می‌باشد نیز اشاره می‌شود (۱۳۸۸).

آزاد کریمی، در مقاله‌ای با عنوان «آزموده‌های مردم سقز از ولادت طفل و مامایی سنتی تا دوره کنونی» به بررسی نحوه زایمان در منزل و ماما‌های سنتی و مراسم زن زائو می‌پردازد (۱۳۸۸).

گلدستین کنت. اس^۱، در مقاله‌ای تحت عنوان «ادامه استراتژی در زمینه قوم‌نگاری فولکلور» به بررسی مناسب مذهبی به صورت آداب و رسوم اشاره می‌نماید. مثلاً در قسمت معینی از آمریکا اگر یک نفر چاقو یا مانند آن را زیر یک رختخواب جا بدهد، به این معنی است که درد و رنج بعد از تولد را از بین می‌برد (Kenneth.S, 1971).

چان هووان کواک^۲ در کتاب اول خود به نام آداب و رسوم در فصل نوزدهم آن درباره تولد و جشن مربوط به آن و آداب ختنه کردن در مشرق‌زمین توضیحاتی ارائه داده است و می‌نویسد که کلیسا معتقد است دلیل معنوی برای ختنه وجود ندارد (Havan, Kwak, 2003).

سوک سوفانا^۳ در پایان‌نامه خود تحت عنوان «جنسیت، فرهنگ و ناباروری» به بررسی جنسیت و فاکتورهای فرهنگ که مربوط به استراتژی‌های مدیریت نازایی در جامعه است می‌پردازد. روش مورد استفاده مصاحبه عمقی با مطلعین کلیدی و مشاهده غیرمشارکتی می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوی استفاده شده است. نمونه‌های تحقیق ۹ زوج نابارور بوده و مصاحبه با آن‌هایی به عمل آمده که خود کاندید می‌شدند (۵ زن و ۴ مرد). اعتقاد کلی فرهنگ بر مشکل و مسئله‌دار بودن زنان در ناباروری است و مردان معمولاً بعد از یک یا دوبار آزمایش اسپرم ممکن است به ازدواج مجدد فکر کنند. مردان به این علت که باروری جز

1. Goldstein Kenneth. S
3. Sok Sophanna

2. Chung Hwan Kwak

مسئولیت زنان می‌باشد آن‌ها را در ناباروری مقصر می‌دانند. بسته به اعتقاد زوجین الگوهای متعددی در ارتباط با درمان ناباروری وجود دارد، که یکی از آن‌ها فقط استفاده از روش تخصصی است (Sophanna, 2006).

به عقیده مرتون، کارکردها عبارتند از، «عملکردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند». یک واقعیت اجتماعی می‌تواند برای واقعیت اجتماعی دیگر پیامد منفی داشته باشد که مرتون آن را با اصطلاح کژکارکرد عنوان می‌کند، همچنین مفهوم بی‌کارکرد را به عنوان، عملکردهایی که برای یک نظام دردی را دوا نمی‌کنند، مطرح می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۴۵ و ۱۴۶). به نظر رادکلیف براون، کارکرد بنیادی نهادها نه برآوردن نیازهای فردی بلکه نگهداشت ساختار اجتماعی یا همان الگوی روابط اجتماعی جامعه است. او بر هنجارهایی تکیه می‌کند که رفتار را تحت نظارت دارند (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۹: ۷۹).

شاید در شکل کلی بتوان خرافات را به دو گروه تقسیم کرد؛ یک نوع خرافاتی که جنبه انفرادی دارند و زبان‌های رفتاری آن به‌طور مستقیم به خود فرد برمی‌گردد، به عنوان مثال شخصی به خود تلقین می‌کند اگر با قلم خاصی در امتحان شرکت کند موفق خواهد شد. و نوع دیگر خرافاتی هستند که جنبه اجتماعی دارند، افکار مرسوم و احساسات غیرمنطقی که گروه زیادی در جامعه به آن‌ها معتقد و پایبند هستند (شعربافیان، ۱۳۸۳: ۱۵). رابرت جرجز^۱ بیان می‌دارد که آداب و رسوم به عنوان بدنه یک فرهنگ مؤثر و پرمعنی است و شامل سرگذشت‌ها، موسیقی، رقص، زبان‌ها، تاریخ شفاهی و... می‌باشد. گاهی مطالعه فرهنگی علمی نژادها از لحاظ آداب و رسوم فولکلوریستیک نامیده می‌شود. آداب و رسوم می‌تواند به چهار حوزه مطالعاتی تقسیم شود. ساختگی یا مصنوعی، توصیف‌کردنی، فرهنگ و رفتار (مناسک) که مطالعه این حوزه‌ها به‌تنهایی معنی‌دار نیستند (Georges, 1995).

از لحاظ ماهیت و پیدایش، تقسیم‌بندی خرافه به صورت زیر است؛ الف. خرافه‌هایی تلقینی: که همان خرافه‌های فردی هستند و افراد برای خود ساخته و به خود تلقین می‌کنند، ب. خرافه‌های تدافعی: که برای جلوگیری از آسیب رسیدن ساخته شده‌اند مثل پاره کردن لباس برای جلوگیری از چشم زخم، پ. خرافه‌های فرافکنانه: که مقصر ساختگی می‌سازد مثل تخم‌مرغ شکستن یا چشم شور، ت. خرافه‌های ذوقی: مثل فال حافظ و فال قهوه، ث.

1. Robert Georges

خرافه‌های تسکینی: مثل خرافه‌هایی که بیماران برای بازیافتن سلامتی‌شان به کار می‌برند یا بخت‌گشایی، ج. خرافه‌های تسخیری: مثل اعتقاد به اشباح یا غول‌ها و چ. خرافه‌های بدلی: که جایگزین اعتقادات دینی می‌شوند و در اذهان می‌نشینند (Ibid: 17).

مجموعه الگوهای فرهنگی که ویژگی‌های زیر را دارا باشند جزو بررسی‌های فولکلوریک قرار دارند: الگوهای فرهنگی که در بین عموم افراد جامعه رواج دارند و مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند و عمل می‌کنند. الگوهای فرهنگی که پذیرش و عمل کردن آن‌ها به صورت «عادات اجتماعی» بوده و از نظر مردم بدیهی تلقی می‌شوند و نیازی به توجیه عقلانی ندارند. الگوهای فرهنگی که به‌طور جمعی و در نتیجه زندگی اجتماعی و گروهی خلق شده‌اند و پدید آورنده آن جامعه است و در مواردی که سازنده شخصی دارد ناشناخته و از نظر مردم به کارگیری آن‌ها بدون اهمیت تلقی می‌شود. الگوهای فرهنگی که معمولاً در جامعه به‌طور صریح و روشن قابل تفکیک از الگوهای جدید هستند و در کنار عناصر جدید قرار دارند و با آن‌ها آمیخته شده‌اند. الگوهای فرهنگی که نه به‌طور خاص بلکه در مجموعه فعالیت‌های زندگی افراد جامعه نقش و وظیفه‌ای را به عهده دارند. بنابراین می‌توان فرهنگ عامه را به عنوان موضوع فولکلور مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی سنتی دانست که چگونگی اندیشه، احساس و عمل فرد را تعیین و تنظیم می‌کند. این الگوها گستره وسیعی دارند و تمامی جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرند، از چگونگی تولد نوزاد، مراحل رشد، زبان‌آموزی، بلوغ، ازدواج، شغل و... تا چگونگی مرگ و باورهای مربوط به آن (فاضلی، ۱۳۸۶).

در مورد این‌که چه عواملی را از لحاظ جامعه‌شناسی می‌توان به عنوان علل ذهنی پیدایش خرافه عنوان کرد، کلاین برگ^۱ پنج عامل را ذکر می‌کند:

۱. حیرت انسان در مشاهده طبیعت: که این حیرت در برابر عظمت جهان خلقت و عدم درک انسان، گاهی وی را به سوی اوهام می‌کشد.

۲. جهل و نادانی: که در مسایل مختلف و به خاطر عدم آگاهی انسان در همه آن مسایل بروز می‌کند.

۳. ترس: که عاملی است تا انسان برای گرفتن قوت قلب گاهی به خرافات روی می‌آورد.

۴. آرزوها و رویاها: که عوامل موثری در محدود شدن قوه تعقل و روی آوردن به سوی ذهن‌گرایی هستند.

۵. تقلید: که آن هم زمانی صورت می‌گیرد که شخص از تقلید کردن احساس و رضایت

1. Klineberg

خاصی بنماید. (کلاین برگ، ۱۳۷۰: ۴۹۴).

روش تحقیق و جامعه آماری

روش مورد مطالعه به صورت میدانی و مشاهده‌ای، در مواردی مشاهده همراه با مشارکت بوده است و از مصاحبه نیز برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. مصاحبه‌های اطلاع‌رسان‌های کلیدی شامل (ریش سفیدان، حلقه‌های ارتباطی زنانه در گروه خویشاوندی، دعانویس‌ها و درمان‌گران بومی) بوده است. از روش اسنادی نیز جهت مقایسه برخی گوشه‌های فرهنگ‌ها استفاده شده است.

استفاده از تکنیک مشاهده در علوم اجتماعی موقعی است که تاکنون اطلاعات کافی در آن مورد موضوع تحقیق وجود نداشته باشد. «مشاهده» نوعی کسب تجربه از جهان است که از طریق ساده تا طرق علمی به وسیله جلا دادن و تیز کردن حساب شده ادراک و حواس انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر در تکنیک مشاهده، شناخت از طریق حواس پنج‌گانه حاصل می‌شود. (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۵۸).

جامعه مورد مطالعه شهر گراش، از شهرهای شهرستان گراش می‌باشد که در ۲۷ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی نصف‌النهار گرینویچ و با جمعیتی حدود ۱۶۰۰۰ نفر در ۳۶۰ کیلومتری جنوب شیراز و ۱۸ کیلومتری غرب لارستان و ۹۲۰ متر ارتفاع از سطح دریا قرار دارد. مردم این منطقه دارای مذهب شیعه و بسیار مبادی رعایت وظایف دینی خود می‌باشند. این شهر با ساختار فرهنگی غنی و سنتی به دو محله بزرگ ناساگ و برق روز تقسیم می‌شود. و برای بررسی سعی شده از افراد کلیدی هر دو محله مصاحبه به عمل آید.

۱. نازایی

ناتوانی در رسیدن به باروری بعد از ۱۲ ماه مقاربت جنسی منظم بدون استفاده از هیچ‌گونه وسایل جلوگیری از بارداری ناباروری نامیده می‌شود (Sadock and Sadock, 2000). زوج تازه ازدواج کرده در گراش حتی با وجود تحصیلات و منزلت شغلی باید فرزندآوری و قابلیت باروری خود را به گروه خویشاوندان، نزدیکان یا جامعه محل زندگی ثابت کنند. هنوز مدت چند ماه از ازدواج نگذشته اطرافیان شروع به کنجکاوی در ارتباط با بارداری آن‌ها می‌کنند. این کنجکاوی در موارد بسیاری به قلمرو کل جامعه نیز کشیده می‌شود. اگر افراد مسایلی مانند تحصیل، یا شغل را علت به تأخیر انداختن بارداری خود عنوان کنند، باز هم از طرف جامعه مورد قبول واقع نمی‌شود و مردم به اصطلاح می‌گویند «بچه‌اش نمی‌شود» و می‌خواهد توجه

کند. گرچه تحقیقات ثابت کرده است علل بسیاری از نازایی‌ها مردانه است و در کنار آن برخی علل به هر دو جنس و در بقیه موارد به علل زنانه برمی‌گردد، اما انگشت اتهام سریعاً متوجه زن خانواده می‌شود و شروع هر نوع درمانی باید با او شروع شود، بدون این‌که علت‌های دیگر جست‌وجو شود. ابتدا فرد با داروهای محلی شروع به درمان می‌کند و سپس متوسل به یکسری باورها و رسوم مربوط به آن برای درمان می‌شود.

راه‌های درمان نازایی در مرحله اول

استفاده از داروهای محلی و توسل به برخی اعتقادات

۱. نوشیدن چای سفید یکی دیگر از راه‌های درمان نازایی است.
۲. زن نازا باید روز سوم عادت ماهیانه خود تا روز هفتم با شکم خالی حلوای گرم بخورد. این حلوا شامل ۷ دارو می‌باشد: دارچین، فلفل، زردچوبه، آویشن، قرص کمر، روغن حیوانی و نبات. گرمی این مواد احتمال لقاح را افزایش می‌دهد.
۳. موقعی که زن در عادت ماهیانه قرار دارد، آویشن را با آب مخلوط کرده و روی آتش گذارند. وقتی به جوش آمد بخار آن را به بدن زن نازا می‌مالند. در این مورد این اصطلاح به کار برده می‌شود و می‌گویند که ممکن است «بادپیچ» کرده باشد. بعد از رفع این باد از رحم زن احتمال باروری افزایش می‌یابد.
۴. باقی مانده داروهای گیاهی و محلی که زن تازه زایمان کرده می‌خورد را به زنی که نازاست می‌دهند تا شاید بچه‌دار شود. این داروهای محلی مانند چهارتخمه که شامل (خاکشیر، شربتبی، برویز، تخم ریحان) می‌باشد، صمغ که با مغز بادام مخلوط می‌کنند و یا صمغ و تخم مرغ محلی. معمولاً زنان نازا منتظر می‌مانند تا زن تازه زایمان کرده غذا یا داروهای محلی را بخورد سپس از باقیمانده غذای او می‌خورند و این روش را بسیار مؤثر می‌دانند.
۵. برای درمان نازایی، ابریشمی که از هفت رنگ تشکیل شده را به اندازه قد زن نازا متر می‌کنند و آن را نزد روحانی می‌برند که دعاهایی برای رفع نازایی به آن بخواند و زن نازا باید ابریشم را تا چهل روز به بازوی راست خود ببندد. و همچنین نخ سبز رنگی را در زیارتگاه‌ها به دست چهل نفر از افرادی که حج واجب رفته می‌دهند تا هر کدام سه گره به آن بزنند. سپس دعایی بر آن می‌خوانند و تا چهل روز بر کمر زن نازا می‌بندند تا حامله شود.
- با تأکید به عدد چهل و تأثیر آن در مراقبت و توسل می‌توان رنگ و بوی مذهب را نیز در این درمان مشاهده نمود.
۶. موقع بریدن ناف نوزادی که تازه متولد شده، زن نازا باید انگشت شصت پای خود را زیر

ناف نوزاد بگیرد تا خون ناف روی پای زن نازا ریخته شود. البته این امر در گذشته که زایمان‌ها در منزل مرسوم بوده بیشتر رواج داشته است.

۷. روز پنجم یا هفتم زن تازه زایمان کرده که می‌خواهد غسل کند، زن نازا باید در سمت راست زن تازه زایمان کرده بایستد تا آب غسل او روی بدنش بریزد. همچنین آبی که بدن نوزاد را با آن شسته‌اند را به روی سر زن نازا می‌ریزند تا شاید باردار شود. تبرک و راز آفرینندگی این آب می‌تواند، آفرینندگی و باروری را به زن نازا منتقل کند.

۸. نبات یا قند را زیر بالش زن تازه زایمان کرده بدون این‌که خود او متوجه شود به نیت زن نازا می‌گذارند تا برای او خواب ببیند و صبح آن خواب را تعریف کند و زن نازا آن خواب را به فال نیک گرفته و به خود تعبیر می‌کند.

۹. دو عروس که با هم ازدواج کرده و یکی‌شان حامله شده و دیگری نشده است، باید قطعه‌ای نبات را در دهان خود بچرخاند و به زن نازا بدهد تا شاید حامله شود.

چله و بریدن آن

اگر مصرف داروها و توسل به باورهایی که بیان شد باعث باروری نشد مردم متوسل به این می‌شوند که نازایی را به یک سری وقایع یا پیشامدهایی نسبت دهند که در اوایل ازدواج، برای زوج اتفاق افتاده است. با توجه به هر باور راه درمانی ویژه آن نیز تجویز می‌شود.

«چله»^۱: یکی از باورهای مردم گراش در مورد عروس‌هایی که چند سال پس از ازدواج صاحب فرزندی نمی‌شوند چله نام دارد. چله یعنی این‌که عروس در چهل روز اول ازدواج به یک سری امور نباید بپردازد اگر این قانون را زیر پا گذاشت باردار نمی‌شود و به اصطلاح گفته می‌شود «چله بر او افتاده است». چله در جاهای مختلفی به کار برده می‌شود و برای بریدن آن راه‌های مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱. هم‌چله‌ای مرده: اگر تازه عروس در مراسم عزاداری شرکت کند یا طعام مجلس ترحیمی بخورد و برحسب اتفاق صاحب فرزندی نشود می‌گویند چله‌اش به مرده افتاده، یا اگر هنگام عروسی‌اش فردی بمیرد و عروس تا مدتی بچه‌دار نشود می‌گویند چله‌اش به مرده افتاده است. برای درمان آن مقداری خاک از بالا و پایین قبر آن شخص برمی‌دارند و با آب مخلوط می‌کنند و آب روی خاک را به نوعروس می‌دهند تا بخورد و معتقدند با این کار نوعروس بچه‌دار می‌شود، یا این‌که باید از روی قبر مرده مذکور یا از روی جنازه کسی که مرده عبور کند.

1. čella

۲. هم‌چله‌ای عروسی: در گذشته وقتی دو تازه عروس به هم می‌رسیدند باید دو دست همدیگر را می‌گرفتند و ضمن تبریک عروسی برای هم آرزوی موفقیت می‌کردند، در غیر این صورت تازه عروس‌ها هیچ‌وقت بچه‌دار نمی‌شدند. در صورتی که دو عروس چله‌شان به هم می‌افتاد و یکی از آن‌ها بچه‌دار نمی‌شد نزد عروس دیگری رفته و آن عروس مقداری شیر بر سر عروس دیگر می‌ریخت. با انجام این کار بر این باور بودند که حتماً صاحب فرزند می‌شود (که امروزه منسوخ شده است). اگر دو عروس با هم در یک شب ازدواج کنند برای این که به اصطلاح چله آن‌ها به هم نیفتد باید هر دو عروس از خوردنی‌های یکدیگر بخورند.

۳. هم‌چله‌ای زایمان: اگر دو زن هم فامیل به فاصله کمی از یکدیگر از زایمان فارغ شوند نباید همدیگر را تا مدتی ملاقات کنند و چنانچه خواهان ملاقات با یکدیگر باشند نباید بچه خود را همراه ببرند زیرا معتقدند که فرزند هر دوی آن‌ها آن‌قدر گریه خواهد کرد که مادرشان را به ستوه خواهند آورد، و ممکن است اگر خواهان فرزند دیگری باشند گرفتار نازایی شوند.

۴. هم‌چله‌ای بارداری: اگر دو زن هم فامیل تقریباً هم‌زمان باردار شوند آن دو زن مقداری شیرینی برمی‌دارند و با هم مخلوط می‌کنند (با دست خود آن را به هم می‌زنند) و به مردم می‌دهند چون معتقدند باید این کار انجام شود تا بچه هر دو آن‌ها زنده و سالم به دنیا آید.

۵. چله به زن تازه زایمان کرده: اگر هم‌زمان با زن تازه زایمان کرده‌ای ازدواجی صورت گیرد، و سال‌ها بگذرد و زوج جوان بچه‌دار نشود، می‌گویند: چله‌اش به زن فلانی افتاده که بچه‌دار شده بود. برای بریدن چله، ادرار شوهری که هم‌زمان ازدواج آن‌ها، زنش بچه‌دار شده بود را با گل سرشور مخلوط می‌کنند و بر روی سر زنی که حامله نمی‌شود می‌ریزند. با این کار معتقدند که زن حامله می‌شود (منسوخ شده است).

۶. چله به گربه افتادن: چله به گربه افتادن یعنی این که زمان ازدواج، گربه‌ای چیزی یسا باقی مانده غذای همان شب عروسی را خورده باشد که اگر بعداً بچه‌دار نشد می‌گویند چله‌اش به گربه افتاده است.

دو راه برای بریدن چله وجود دارد:

۱. موی گربه را به روی آتش می‌گذارند تا بسوزد.
۲. ادرار گربه را با گل سرشور مخلوط می‌کنند و روی سر زن نازا می‌گذارند. این عمل باید موقع پاک شدن از عادت ماهیانه و به موقع غسل کردن باشد.
۳. چله به مار افتادن: چله به مار افتادن نیز مانند چله به گربه افتادن است. برای بریدن چله مار، زن نازا باید از روی افعی یا مار خیلی بزرگی که مرده رد شود.
۴. بریدن چله با کمان حلاجی: در برخی موارد برای بریدن چله زنان نازا بعد از استفاده از

چله‌بری‌های مختلف اگر مشکل همچنان ادامه یابد فرد باید از کمان حلاجی عبور کند. شرح عبور تازه‌عروس از چله کمان بدین صورت است که تازه‌عروس به منزلی که کمان حلاجی دارند می‌رود و مقداری شیرینی را نیز به همراه خود می‌برد، ابتدا پای راست خود را در کمان می‌گذارد و سه بار از آن عبور می‌کند، بار سوم در وسط کمان می‌ایستد. در این جاست که صاحب کمان، چله کمان را می‌بُرد و در اثنای بریدن چله معمولاً سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید را می‌خواند و برای تازه‌عروس دعا می‌کند و از خدا برای او طلب فرزند می‌کند. تازه‌عروس حق کوچک‌ترین صحبتی را حتی سلام و احوالپرسی و خداحافظی ندارد تا هنگامی که به شوهرش برسد و با او صحبت کند. بر اساس گفته صاحبان کمان حلاجی تقریباً اکثر عروس‌هایی که از چله کمان می‌گذشتند صاحب فرزند می‌شدند.

۹. چله به دریا افتادن: اگر زنی احساس کرد که حامله نمی‌شود می‌گویند شاید چله‌اش به دریا افتاده است و باید از آب دریا رد شود تا حامله شود.

۱۰. همچنین برای زنی که بچه‌دار نمی‌شود معتقدند اگر مادر شوهرش هنگامی که خواست بچه تازه متولد شده عروس دیگر یا اقوام را در آغوش بگیرد، نگذارد و مانع شود و به او بگوید تو که بچه‌دار نمی‌شوی حق نداری بچه دیگران را در آغوش بگیری و به او گوشه و کنایه بزند به نحوی که عروس نازا دلش بشکند و برنجد و ناراحت شود، چون که خداوند دعای دلشکستگان را سریع‌تر مستجاب می‌کند، پس زن نازا از خداوند طلب بچه می‌کند و بچه‌دار خواهد شد.

۲. حفظ جنین در شکم مادر

بارداری امری است محترم و در برخی موارد زن با بارداری خود به خانواده همسر فخر می‌فروشد و آن‌ها را از سلامت جسمانی خود مطمئن می‌کند. بلاخره اگر بعد از دوا و درمان بسیار زن توانست باردار شود بر او واجب است از تمام تمهیدات لازم جهت حفظ بچه استفاده کند. راه‌هایی برای نگه‌داشتن بچه و اتمام بارداری نیز مطرح می‌شود که به قرار زیر می‌باشند:
— زنی که مدام بچه‌اش را سقط می‌کند و یا به هنگام وضع حمل بچه زنده نمی‌ماند سه راه برای درمان آن وجود دارد:

۱. کمر زن را داغ می‌کنند. به این طریق که، اگر زنی بارها سقط جنین کند یا بچه‌اش پس از تولد بمیرد می‌گویند که آن زن دارای «موی عقربی» است و باید آن را داغ کرد تا بچه‌اش برایش بماند. بنابراین برای این کار زن را پیش کسی که داغ کردن را انجام می‌دهد می‌برند و او پارچه نخی که نو و اصلاً از آن استفاده نشده باشد را لوله کرده و به نفت آغشته می‌کند و پشت گردن زن یعنی در قسمت پشت گوش او را با آن پارچه آتش زده شده می‌گذارند و داغ می‌کنند و می‌گویند

حتماً باید آن سوختگی جایز زخم شود. بنابراین بعد از سوزاندن، مقداری نمک روی زخم می‌ریزند و تا مدت زیادی باید این زخم باقی بماند. عقیده دارند بعد از سوزاندن موی عقربی آن زن بچه‌دار می‌شود و بچه برایش می‌ماند. این عقیده هنوز هم وجود دارد و کاملاً منسوخ نشده است. سوزاندن موی عقربی در برخی موارد در رابطه با مرد خانواده‌ای که جنین باقی نمی‌ماند یا آخرین فرزندی که بعد از او فرزندان دیگر سقط می‌شدند نیز انجام می‌گرفت، تا این واقعه دیگر اتفاق نیفتد.

۲. قفل زدن به کمر زن باردار: به این طریق که پشم شتر را می‌بافند و با قفل به دور کمر زن نازا می‌بندند. این قفل باید تا نه‌ماهگی به دور کمر بسته باشد و موقع وضع حمل باز کنند. این عمل معمولاً برای کسانی که گرفتار نازایی بوده یا سقط جنین مکرر داشته‌اند انجام می‌دهند.

۳. مهر سید زدن بر کمر: بر روی قسمتی از کمر که موی عقربی دارد مهر سید می‌زنند. مهر سید یعنی مهری که مربوط به مهر کردن نامه و متعلق به یک روحانی که فرزند پیغمبر می‌باشد است. به این ترتیب فرزند در رحم باقی می‌ماند و از بین نمی‌رود.

علاوه بر امور بالا، هنگامی که زن باردار در ماه هشتم بارداری باشد و کسی از او بپرسد که در ماه چندم هستی نباید بگویند بلکه باید بگویند ماه «نه نَک»^۱. یعنی ماهی که نیک نیست، زیرا معتقدند که اگر بچه در این ماه متولد شود شانس زنده ماندنش بسیار کم است.

۳. پیشگویی جنسیت جنین

زاینده‌گی به خانواده و به خصوص به زن طراوت می‌دهد. بنابراین در این مرحله معمولاً تمام توجه خانواده و اطرافیان به خواسته‌های زن باردار است و جامعه نیز دستوراتی برای آن‌ها تجویز می‌کند تا جنین از آسیب‌های مختلف در امان بماند. در کنار آن به علت خوشایند بودن این واقعه اعتقادات و باورهایی نیز جهت پیشگویی جنسیت فرزند در بین عوام رواج دارد. اما آیا واقعاً جامعه تمایل به پیشگویی دارد، یا این‌که می‌خواهد تشخیص دهد حتماً فرزند پسر باشد یا نه؟ گرچه اکثریت بیان می‌دارند هدف، پیشگویی است اما با نگاه عمیق به مصاحبه‌ها و طرز بیان افراد واضح می‌شود که تمایل اطرافیان به سنگین کردن کفه ترازوی پیشگویی به جنسیت پسر می‌باشد، به خصوص کسانی مانند پدر و مادر که ذینفع می‌باشند. اما آیا مانند جوامع دیگر در صورت تشخیص قطعی جنسیت نوزاد بیان می‌شود؟ جواب اکثریت خیر است. اکثراً زنان باردار از این پیشگویی‌ها لذت می‌برند و آن را وسیله تفریح، سرگرمی و مذاح

1. ne nak

- می‌دانند، علاوه بر این همواره باید مواظب چشم‌ها و نگاه‌های حسودانی باشند که ممکن است به دو امر مرتبط به آن‌ها صدمه وارد کنند: ۱. باردارشدن ۲. جنسیت پسر فرزندشان، در نتیجه معمولاً در مورد جنسیت قطعی نوزاد صحبت نمی‌شود.
۱. اگر زن حامله هوس غذاهایی ترش و شور بکند بچه‌اش دختر است اما اگر غذاهای شیرین هوس کند بچه‌اش پسر می‌شود.
۲. اگر خوردنی‌هایی که طبع گرم دارد، بخورد فرزندش پسر و اگر طبع سرد دارد فرزندش دختر به دنیا می‌آید.
۳. اگر زنی از فامیل حامله باشد و می‌خواهند بفهمند که بچه‌اش دختر است یا پسر، کله پاچه را با نیت زن حامله باز می‌کنند اگر در آرواره کله پاچه گوشت به استخوان مانده باشد بچه او دختر است (گراشی‌ها این اعتقاد دارند گوشتی که به استخوان چسبیده است شبیه گره زدن روسری بر سر دختر می‌باشد) اما اگر فقط استخوان باشد فرزند او پسر است.
۴. اگر جنین در شکم مادر به پهلو راست بخوابد، فرزندش پسر اما اگر جنین زیر شکم مادر قرار گیرد، فرزندش دختر است.
۵. اگر دو پهلو شکم زن حامله خالی باشد، فرزندش دختر. اما اگر دو پهلویش پر باشد، فرزندش پسر است.
۶. برای تشخیص جنسیت، دست خود را بر روی شکم زن حامله می‌گذاشتند و به آرامی آن را ماساژ می‌دادند، در حین ماساژ اگر جنین حرکات تندی از خود بروز دهد تشخیص می‌دادند که جنین دختر است ولی اگر جنین حرکات آرامی از خود بروز می‌داد تشخیص می‌دادند که جنین پسر است.
۷. اگر زن حامله در هنگام بارداری اش زشت شود می‌گویند بچه‌اش دختر می‌شود زیرا زیبایی مادر به دختر داده می‌شود، اما اگر هنگام بارداری زن حامله زیباتر شود می‌گویند بچه‌اش پسر خواهد شد.
۸. اگر زن حامله در موقع بارداری اش کسل باشد، می‌گویند فرزندش دختر است اما اگر فعال باشد می‌گویند بچه‌اش پسر خواهد شد.
۹. مقداری نمک روی سر زن حامله می‌ریزند بطوری که متوجه نشود اگر بلافاصله دست خود را به سرش کشید بچه‌اش دختر است و اگر دست به طرف چانه و پشت لب خود بکشد بچه‌اش پسر خواهد شد.
۱۰. اگر جنین در ماه‌های اول بارداری در اصطلاح محلی جُم بخورد (تکان بخورد) و حرکت کند جنین پسر است در صورتی که دختر دیر جُم می‌خورد.

۱۱. اگر خط ناف (روی شکم) زن حامله راست باشد فرزندش پسر و اگر خط ناف کج باشد بچه‌اش دختر است.
 ۱۲. بدون این‌که زن باردار متوجه شود یک قیچی و چاقو را زیر کاسه‌ای می‌گذارند، اگر زن حامله قیچی برداشت بچه‌اش دختر و اگر چاقو برداشت پسر است.
 ۱۳. زن حامله اگر باسنش بزرگ بود بچه‌اش دختر است.
 ۱۴. موقع وضع حمل اگر از زیر ناف دردش شروع شود، بچه‌اش دختر و اگر کمرش درد گرفت پسر است.
- پیشگویی جنسیت فرزند از زمانی که بچه در شکم در حال بزرگ شدن است شروع شده و تا زمان دقیق زایمان ادامه دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیقات صورت گرفته در اکثر موارد افراد به صورت توصیفی به بررسی فرهنگ عامه در ارتباط با زایش، نوزاد و بایدها و نبایدهایی که زن باردار باید مد نظر قرار دهد توجه شده است. در مقاله حاضر سعی شده با توجه به بررسی‌های کیفی، قدم از حوزه توصیف محض فراتر نهاده دسته‌بندی منظمی در رابطه با باورهای مورد بررسی ارائه دهد و در برخی موارد به علت یابی باورها نیز اشاره شده است.

در بررسی‌های مردم‌شناسی شاید بررسی باورهای عامیانه جزو خرافی‌ترین مسایل قرار گیرد. اما آیا واقعاً می‌توان آن را خرافات دانست؟ باورها و نیازهای هر قومی زاینده نیازها و احتیاجات آنهاست و مسلم است اگر با دیدگاه کارکردگرایی مرتون به باورها نگاه شود می‌توان برخی، از آنها را بی‌کارکرد دید نه همه آنها را، به خصوص که در بسیاری موارد با ناتوان ماندن علم از حل مسایل و معضلات مردم در بسیاری موارد کارکردی بودن این باورها برای عامه اثبات شده است. این باورها در جامعه گرایش عمومیت داشته، در طول نسل‌ها حفظ شده و مردم نیز به‌طور عادی بدون این‌که مجبور باشند به آن عمل می‌کنند. آیا در دنیای مدرن امروز نیز مردم باورهای خود را حفظ نموده‌اند؟ در بررسی حاضر که به روش مشاهده و مصاحبه عمقی با افراد کلیدی (زنان سالخورده، به خصوص حلقه روابط زنانه گروه‌های خویشاوندی و دعانویس‌ها) صورت گرفته است، رواج و کاربرد باورهای عامیانه مربوط به نازایی، چله‌بری، جلوگیری از سقط جنین و پیشگویی در ارتباط با جنسیت فرزند را در گرایش نشان می‌دهد. دسته‌بندی خرافات که شعربافیان به آن اشاره می‌کند را می‌توان در انواع باورهای عامیانه شهر گرایش مشاهده نمود. به نحوی انواع باورهای تدافعی، تلقینی، فرافکنانه، ذوقی، تسکینی، بخت‌گشایی،

تسخیری و بدلی را می‌توان در رسوم مختلف مردم گراش دید. در این مطالعه با تأکید بر باروری و ضمانت آن برای بقای خانواده در فرهنگ سنتی می‌توان مشاهده کرد که رواج و گسترش باورهای مربوط به آن که از طرف جامعه در بسیاری موارد کارکردی بودن خود را حفظ کرده است، چگونه خود را بر زندگی زوج‌ها به‌خصوص زنان نوعروس تحمیل می‌نماید. البته گاه به علت ترس از ازدواج مجدد مرد که در بسیاری موارد به دلیل کار در کشورهای خلیج، دور از واقع نمی‌باشد، زنان تمایل دارند زودتر صاحب فرزندی شوند تا پابندی همسرانشان را به خانواده بیشتر کنند و جلوی ازدواج‌های مجددی که ممکن است به علت ناباروری اتفاق بیفتد را نیز بگیرند. باروری، به زن در جامعه منزلت داده و پایگاه او را تثبیت می‌نماید. به زن توانایی بروز شخصیتی توانمند و تا حدی مقتدر می‌دهد. بنابراین در این جامعه باروری در ماه‌های اول ازدواج حتی با روند تغییرات شدید جمعیتی و تکنولوژیکی امری بسیار مقبول و پذیرفتنی است.

در مقاله حاضر ابتدا به باورها و نگاه‌های جامعه نسبت به باروری و ناباروری پرداخته شده است. مبرهن است که در مسئله ناباروری انگشت اتهام جامعه به سوی کدام جنسیت است؟ زنان در موارد بسیاری حتی با وجود ناباروری قطعی همسرانشان برای این‌که به اقتدار و شأن و شخصیت همسرانشان لطمه‌ای وارد نشود تمام تقصیرات را به گردن گرفته و در مرحله اول شروع به درمان با داروهای محلی می‌نمایند. این داروها در منازل و در عطاری‌ها قابل دسترسی است و با تجویز بزرگان فامیل و زنانی که در قابلیت تبحر دارند مورد استفاده قرار می‌گیرد. بهتر است مشکلات در این مرحله حل شود زیرا تا این مرحله هنوز برچسب قطعی نازایی به زن نخورده است. اما اگر این داروها فایده‌ای نداشت، مانند خیلی از امور دیگر که نیاز به گره‌گشایی داشته اما راه‌حل قطعی برای آن وجود ندارد فرد نازا وادار به واکاوی اوایل ازدواج خود می‌شود و گاه بهتر است با توجه به تجربه بقیه افراد از همان ابتدای ازدواج جهت گرفتار نشدن به نازایی راه‌حلی را به کار ببندد. بنابراین مفهومی تحت عنوان چله به چیزی یا کسی افتادن، به فرد نازا نسبت داده می‌شود و او مجبور می‌شود چله‌بری کند. یعنی ببیند در چهل روز اول عروسی چه کارهایی انجام داده یا چه وقایعی اتفاق افتاده که باعث قرار گرفتن او در نازایی شده است. با توجه به هر نوع حادثه یا اتفاق در چهل روز اول، چله‌بری متفاوتی نیز صورت می‌گیرد.

بعد از باردار شدن زن، همه تلاش‌ها جهت حفظ جنین صورت می‌گیرد. اگر زن بچه‌دار می‌شود اما به اصطلاح «بچه به او نمی‌ماند» یعنی جنین سقط می‌شود و این امر چندین بار اتفاق افتاد راه‌هایی به کار برده می‌شود تا جنین حفظ شود، مانند: زدن قفل به کمر زن باردار، زدن مهر سید به کمر زن باردار و داغ کردن کمر زنانی که سقط مکرر دارند. به هر حال در این مورد وضعیت

درمان حادث می‌شود، زیرا تا قبل از این مرحله مرد نیز در مسئله نازایی مقصر بود اما بعد از این تمام تصمیمات جامعه به زن و ناتوانی و ضعف کمر زن نسبت داده می‌شود، البته در برخی موارد به مردان و داشتن موی عقربی در کمر آنان نیز توجه می‌شود که بسیار کم می‌باشد.

در مرحله بارداری با توجه به تغییرات جامعه و تغییرات نگرشی مردم جهت داشتن تعداد کمتر فرزند، هنوز نیز ترجیح جنسیتی به نفع جنس مذکر می‌باشد. واضح است که مثلاً از هر ۳ فرزندی که مورد تقاضاست از نظر بیشتر افراد بهتر است ۲ پسر و ۱ دختر باشد. بنابراین در این مرحله افراد در ماه‌های مختلف بارداری با توجه به تغییرات ظاهری زن باردار و یک سری امور دیگر به پیشگویی جنسیت فرزند می‌پردازند. این امر یکی از سرگرمی‌های گروه زنان فامیل در اوقات فراغتشان می‌باشد. به احتمال قوی با پیشگویی فرزند پسر، زن دلگرمی بیشتری پیدا کرده و در دوران بارداری مراقبت بیشتری از خود به عمل می‌آورد. البته یکی از نگرش‌های گروه زنان به خصوص مادر عروس این می‌باشد: وقتی می‌فهمیم که دخترمان قرار است صاحب فرزند پسری شود، اضطراب و نگرانی ما کمتر می‌شود زیرا می‌دانیم دخترمان، در مقابل شوهر و خاندان او محافظ و نگاهبانی پیدا خواهد کرد.

در انتها بچه‌های متولد شده به زن ارزش و منزلت بیشتر می‌دهند، به خصوص اگر جنسیت آن‌ها مذکر باشد. اما با سیر فرهنگی به این گستردگی و با این همه مراحل برای بچه‌دار شدن و حفظ آن و نگرانی‌های حاشیه‌ای برای زن در جامعه مورد بررسی، بچه متعلق به مرد و صاحب اختیار اوست و تصمیمات مرتبط را او اتخاذ می‌کند.

منابع

- آبوت، پاملا، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه عراقی، تهران، نشر نی.
- آرین‌پور، یحیی، ۱۳۸۰، *زندگی و آثار هلدایت*، چاپ اول، تهران، انتشارات دلارنگ.
- آینه افروز، مهدی، ۱۳۷۱، «نقل خمو»، نشریه همساده، بهار و تابستان.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، ۱۳۴۹، «باورهای عامیانه مردم سنگسر»، *مجله هنر و مردم*، دوره ۸، شماره ۹۲.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ، ۱۳۸۹، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- پیچا، ژان بورژوا، ۱۹۶۶ م، «عوامل بیولوژیکی تعیین‌کننده زاد و ولد در کشورهای غیرصنعتی»، ترجمه دکتر محمد میرزایی، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۱۵ و ۱۶.
- حسن‌زاده، آمنه، ۱۳۸۷، «ایران جایگاه زایش در فرهنگ مردم»، در: [online] < <http://www.sepandarmad.blogfa.com> > [16. 12.2009]
- جویباری، لیلا، ۱۳۸۷، «شناسایی باورها و رفتارهای بهداشتی مردم ترکمن مقیم روستای ایمرمحمدقلی گنبد کاووس در زمینه مسایل مربوط به مادر و نوزاد»، در:

[online] < <http://www.jouybari.blogfa.com/post-1125.aspx>

رفیع پور، فرامرزی، ۱۳۸۴، *کندوکاوها و پنداشت‌ها*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
روح‌الامینی، محمود، ۱۳۷۷، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران، انتشارات عطار، چاپ چهارم.
ریتزر، جورج، ۱۳۷۴، *نظریه اجتماعی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
شعربافیان، حمید، ۱۳۸۳، *باورهای عامیانه به گزارش سیاحان غربی*، مشهد، انتشارات محقق، چاپ اول.
فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۸۶، «فرهنگ مردم و ادبیات عامه»، در:

[online] < <http://www.farhangshenasi.com> [10 sep 2008]

کریمی، آزاد، ۱۳۸۷، «آزموده‌های مردم سقز از ولادت طفل و مامایی سنتی تا دوره کنونی»، در:

[online] < <http://www.Sharnews.com> [20.12. 2009]

کلاین برگ، اتو، ۱۳۷۰، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمدعلی کاردان، تهران، نشر اندیشه، چاپ دوم.
محمودی، ف، ۱۳۷۴، «نقل‌خمو»، نشریه *همساده*، تابستان.
مظاهری، محمدعلی و دیگران ۱۳۸۰، «شیوه‌های حل مسئله و سازگاری زناشویی در زوج‌های نابارور و بارور»، *فصلنامه باروری و ناباروری*، پژوهشکده ابن‌سینا.
مؤید محسنی، مهری، ۱۳۸۱، *فرهنگ عامه سیرجان*، کرمان، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، چاپ اول.
ناصری، عبدالله، ۱۳۸۸، «مراسم تولد و نام‌گذاری در بلوچستان»، *مجله پیام زن*، شماره ۹۶.
نوروزی، فاطمه و لیلا منوچهری، ۱۳۸۷، «باورهای عامیانه در گراش»، *پایان‌نامه کارشناسی*، دانشگاه پیام‌نور.
نیکویه، محمود، ۱۳۸۰، «روایتی عامیانه از گهواره تا گور»، *نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری*، کتاب ماه هنر، شماره ۳۹ و ۴۰.

Georges, Rabert A. & michael owens Jones, (1995), *Folkloristics: An Introduction*, Indiana Univercity Press.

Hwan, kwak, chung, (2003), "The tradition, book one. By rev, births, births cermong", [online]. < <http://www.Tparents.org/library/unification/boos/ttl/ttl.19.htm> [13.10 2009]

Kenneth S. Goldstein, (1971), "Strategy in counting out: An Ethnographic Folklore Field Study", in eds., *The study of Games*. Eds. Elliott M. Avedon and Brian Sutton-Smith, New York, John Wiley & Sons.

Sadock, B. Y., Sadock V. A., (2000), *Comprehensive text book of psychiatry*, 7 Edition.

Sophanna, Sok, (2006), *gender, Culture and Infertility in Combodian socity subject*, thesis for the degree of Master of arts (Health social science), Faculty of Graduate students, Mahidol university.